



Implementation of the Principle of Joint and Several Liability in the System of International Responsibility

Mahdi Hadadi *

Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract


In domestic legal systems, Joint and several liability provides the best assurance that the plaintiffs will be compensated for their loss. The rule means that when multiple defendants are found to have caused the same damage, each defendant can be obliged to pay up to the full amount of the loss suffered. It is common in international practice that several states or international organizations contribute together to the indivisible injury of a third party. Therefore, due to the fact that there are situations in which two or more international persons share responsibility for their contribution to an indivisible injury of third persons, is it possible to apply the principle of joint and several liability in the concept of domestic law regarding distribution of reparation in situations of share international responsibility? According to this study, based on the general principle of law as a source of international law in Article 38 of the Statute of the International Court of Justice and due to the relative lack of development of the rules of international responsibility in this field, comparison with domestic law is possible. Yet, the implementation of joint and several liability in the international law system will face the obstacle of the jurisdiction of international courts.

Keywords: Shared International Responsibility, Joint and Several Liability, Full Compensation, Recourse.

* Corresponding Author: mhaddady@ut.ac.ir

How to Cite: Hadadi, M., "Implementation of the Principle of Joint and Several Liability in the System of International Responsibility", The Quarterly Journal of Public Law Research, 24(75), (2022), 253-292.
Doi: 10.22054/QJPL.2022.61666.2633

اعمال اصل مسئولیت تضامنی در نظام مسئولیت بین المللی

مهدی حدادی  * | دانشیار گروه حقوق بین الملل، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

در نظام‌های حقوقی داخلی مسئولیت تضامنی، یکی از مهمترین راهکارهایی است که قانونگذاران جهت تضمین انجام تعهد یا جبران خسارت بکار گرفته‌اند. با توجه به اینکه در زمینه مسئولیت بین المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی امکان بوجود آمدن وضعیت‌های مسئولیت بین المللی مشترک وجود دارد آیا می‌توان اصل مسئولیت تضامنی به مفهوم حقوق داخلی را در خصوص توزیع نتایج مسئولیت بین المللی مشترک اعمال نمود؟ بر اساس این تحقیق با توجه به پذیرش اصل کلی حقوق بعنوان منبع حقوق بین الملل در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و با توجه به توسعه نیافتگی نسبی قواعد مسئولیت بین المللی در این زمینه، قیاس با حقوق داخلی امکان‌پذیر می‌باشد. از بررسی مواد طرح‌های مسئولیت بین المللی دولت و سازمان‌های بین المللی و تفاسیر آن و نیز رویه قضایی، امکان اجرای مسئولیت تضامنی در خصوص نتایج مسئولیت بین المللی مشترک استنباط می‌شود. در عین حال اجرای مسئولیت تضامنی در نظام حقوق بین الملل با مانع صلاحیت دیوان‌های بین المللی روبرو خواهد شد.

واژگان کلیدی: مسئولیت بین المللی مشترک، مسئولیت تضامنی، جبران خسارت کامل، حق رجوع.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در نظام‌های حقوقی داخلی، افراد همواره در پی راهکارهایی جهت دستیابی به اطمینان خاطر هرچه بیشتر برای وصول طلب خود نزد بدهکاران بوده و هستند. یکی از راهکارهای ممکن برای چنین اطمینانی ایجاد تسهیلاتی برای رجوع آنان به اشخاص متعدد جهت وصول طلب واحد است. مسئولیت تضامنی می‌تواند این اطمینان را فراهم کند. بر این اساس اگر چند نفر به سبب واحد مسئول تادیه دینی واحد شوند باید از عهده آن برآیند؛ با پرداخت از سوی هریک از مسئولین ذمه تمامی آنها بری می‌شود. همچنین پرداخت کننده، حق مراجعه به سایر مسئولین به نسبت سهم هریک خواهد داشت.

در نظام حقوق بین‌الملل ابتدا در چارچوب قواعد اولیه، تعهدات بین‌المللی برای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود. نقض تعهدات بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی این تابعان را به دنبال دارد. در مواردی ممکن است مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی از نوع مسئولیت مشترک باشد. مسئولیت مشترک به وضعیتهایی اشاره دارد که در آن دو یا چند شخص بین‌المللی برای مشارکت‌شان در زیان غیرقابل تقسیم به اشخاص ثالث، مسئولیت خواهند داشت. فرض این نوشتار آن است که اشخاص متعدد مسئول، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند و نه افراد یا سایر بازیگران غیردولتی. چنین مشارکتی از طریق ارتکاب یک یا چند فعل متخلفانه بین‌المللی در زیان غیر قابل تقسیم انجام می‌شود. مسئولیت مشترک ممکن است از رفتار جمعی همچون وضعیتهایی که در آن اشخاص بین‌المللی وارد همکاری با یکدیگر می‌شوند مانند عملیات نظامی چند ملیتی یا از رفتار مستقل فردی ناشی شود، همچون وضعیتی که چند دولت به طور مستقل در زیان به محیط زیست مشارکت دارند.

چنانچه قائل به وجود مسئولیت مشترک در نظام حقوق بین‌الملل باشیم پرسش این است که نتایج مسئولیت چگونه میان دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی مسئول تقسیم می‌شود؟ بویژه با توجه به شناختی که از اصل مسئولیت تضامنی در حقوق داخلی داریم آیا می‌توان آن را در نظام حقوق بین‌الملل قابل اعمال دانست؟ برخی انتقال مسئولیت تضامنی را به نظام حقوق بین‌الملل ممکن می‌دانند و ماده ۴۷ طرح مسئولیت دولت را مصداق آن ذکر می‌کنند. برخی دیگر معتقدند که باید از قیاس با حقوق داخلی اجتناب

کرد و شرایط اعمال کامل مسئولیت تضامنی، آنچنان که در حقوق داخلی مطرح است در نظام حقوق بین‌الملل وجود ندارد.^۱

قطعا در خصوص اعمال اصل مسئولیت تضامنی در نظام مسئولیت بین‌المللی، نظرات هر دو دسته موافقان و مخالفان بایستی مورد توجه قرار گیرد. از یک طرف در برخی حوزه‌های حقوق بین‌الملل رجوع به حقوق داخلی و انتقال برخی اصول و مفاهیم آن به حقوق بین‌الملل امکان‌پذیر است. همانگونه که در قضیه بارسلونا تراکشن در زمینه امکان حمایت دیپلماتیک از سهامداران شرکت، دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌دارد: «حقوق بین‌الملل باید نهاد شرکت را بعنوان نهادی که اساساً در چارچوب حقوق دولت‌ها ایجاد شده است به رسمیت بشناسد. این امر به نوبه خود مستلزم آن است که هرگاه مسائل حقوقی در مورد حقوق دولت‌ها در مورد رفتار با شرکت‌ها و سهامداران مطرح می‌شود و حقوق بین‌الملل در مورد این حقوق فاقد قوانین خاص خود باشد، باید به قواعد مربوطه حقوق داخلی رجوع شود».^۲ کرافورد نیز در کتاب مسئولیت دولت خود اشاره به این دارد که در خصوص مسئولیت برای رفتار مشترک و جمعی دولت‌ها، وسوسه‌ای مبنی بر وام گرفتن ادبیات رایج در نظام‌های حقوق خصوصی داخلی وجود دارد: اصطلاحاتی مانند «مسئولیت تضامنی» یا «مسئولیت مبتنی بر همبستگی» یا «معاونت». از نظر ایشان اصول مبنای این مفاهیم در حقوق داخلی می‌تواند راهنمای مفیدی برای حقوق بین‌الملل باشد. با توجه به توسعه نیافتگی نسبی این حوزه مسئولیت در حقوق بین‌الملل، قیاس با اصول پذیرفته شده حقوق خصوصی می‌تواند بدون اینکه تهدیدی برای هنجارهای مستقر باشد، بر مفهوم مسئولیت جمعی و مشترک در سطح بین‌المللی اثر بگذارد.^۳

از سوی دیگر انتقال اصول و مفاهیم حقوق داخلی به نظام حقوق بین‌الملل نیازمند توجه به خصوصیات جامعه بین‌المللی و نظام حقوقی حاکم بر آن است. از نظر گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد اصول کلی حقوق، این مسئله که ماده ۳۸

۱. محمدرضا ضیایی بیگدلی و نسرین تراز، «توزیع جبران خسارت در وضعیت‌های مسئولیت مشترک بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۳، (پاییز و زمستان ۱۳۹۹)، ص ۴۱.

2. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), ICJ Reports, (1970), p. 34, para.38.

۳. جیمز کرافورد، حقوق مسئولیت بین‌المللی (قواعد عمومی)، ترجمه علیرضا ابراهیم گل و دیگران (تهران: انتشارات سنگلج، ۱۳۹۵) ص ۴۱۳.

(۱)(۳) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری شامل اصول کلی حقوق منبعث از نظام‌های حقوقی داخلی می‌گردد، به طور قاطع در رویه، دکترین و دیدگاه اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد تایید قرار گرفته است. اما شناسایی این دسته از اصول کلی، مبتنی بر یک پروسه دو مرحله‌ای است: نخست تعیین اصول مشترک میان نظام‌های حقوقی داخلی و دوم، اثبات انتقال آن اصل به نظام حقوقی بین‌المللی. در رابطه با پروسه دوم، بدیهی است که با توجه به تفاوت‌های ساختاری میان نظام‌های حقوقی داخلی و نظام حقوقی بین‌المللی، اصول حقوقی مشترک میان نظام‌های حقوقی ملی به طور خودکار و بدون هیچگونه پیش‌شرطی در عرصه بین‌المللی قابل اعمال نخواهند بود. این اصول اولاً باید سازگار با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل باشند و ثانیاً باید شرایط ضروری برای کاربرد مناسب یک اصل در نظام حقوقی بین‌المللی وجود داشته باشد. اساساً در هر نظام حقوقی داخلی نیز شکل‌گیری قواعد و اصول، متأثر از ارزش‌ها و اقتضائات آن جامعه بوده و این قواعد و اصول متناسب با ساختارهای آن جامعه شکل می‌گیرند. این شرط تضمین‌کننده کارکرد موثر قواعد و اصول است. در عرصه بین‌المللی نیز باید این مسئله مورد توجه قرار گیرد. چنانچه اصلی میان تعداد قابل توجهی از نظام‌های حقوقی ملی مشترک بوده و مغایر با هیچیک از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل هم نباشد، باز ممکن است به دلیل تفاوت‌های ساختاری میان نظام‌های داخلی و نظام بین‌المللی، آن اصل خالی از کارکرد شده و یا نتواند به طور موثر در نظام حقوقی بین‌المللی اعمال گردد.^۱

این مقاله با توجه به شاخص‌های مسئولیت تضامنی در حقوق داخلی، مواد و تفاسیر طرح‌های مسئولیت بین‌المللی دولت و سازمان‌های بین‌المللی، آرای قضایی بین‌المللی و نیز با توجه به خصوصیات جامعه بین‌المللی و نظام حقوق بین‌الملل، امکان اعمال مسئولیت تضامنی در خصوص توزیع نتایج مسئولیت بین‌المللی مشترک میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. احمدرضا مبینی، «مروری بر گزارش‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص اصول کلی حقوق»، قابل دسترس در <https://unstudied.ir>

۱. مسئولیت تضامنی در نظام حقوقی داخلی

مسئولیت تضامنی که گاه تضامن میان بدهکاران نیز نامیده می‌شود، التزام متعدد برای پرداخت یک دین است.^۱ مسئولیت پرداخت دین نیز اینگونه تعریف شده است: مسئولیت ناشی از تعهدی (قهری یا قراردادی) که به موجب آن شخص مسئول (با اشتغال یا عدم اشتغال ذمه) ملزم است مالی را که بر عهده خود او یا دیگری است به شخص طلبکار بپردازد.^۲ متعهد و متعهد له در حقوق دینی ناشی از تعهدات قهری یا قراردادی همواره یک شخص نمی‌باشند. گاه ممکن است که دو یا چند شخص در برابر شخص یا اشخاص دیگر عهده‌دار مسئولیت ناشی از تعهدی واحد باشند. در مسئولیت پرداخت نیز که نوعی تعهد است امکان دارد که چندین نفر مسئولیت پرداخت مبلغی را به شخص یا اشخاص طلبکار بر عهده داشته باشند.^۳ همانند مسئولیت پرداخت مبلغ برات از سوی ظهرنویسان متعدد آن و یا مسئولیت شرکا در شرکت تضامنی در قبال پرداخت دیون مالی شرکت پس از انحلال آن.

در نظام‌های حقوقی داخلی مسئولیت تضامنی، یکی از مهمترین راهکارهایی است که قانونگذاران جهت تضمین انجام تعهد یا جبران خسارت بکار گرفته‌اند. راهکاری که سطح بالایی از امنیت را در روابط مالی، ایجاد و اطمینان طلبکار به وصول طلب خود را بیشتر می‌کند. این نوع مسئولیت بر میزان اعتبار طلب می‌افزاید و طلبکار را از خطرات ناشی از ورشکستگی، اعسار یا فرار مدیون اصلی مصون می‌دارد.^۴ مسئولیت تضامنی بر دو پایه اصلی استوار است: الف- هر یک از بدهکاران مشترک، مسئول پرداخت تمام دین است و طلبکار می‌تواند به یک یا چند بدهکار رجوع نماید و تمام یا قسمتی از دین را از هر کدام مطالبه کند. لذا یکی از مزایای مسئولیت تضامنی برای طلبکار آزادی وی در

۱. ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۹) ص ۲۰۲.

۲. سید مصطفی مصطفوی و طیب افشارنیا، مسئولیت تضامنی (تعدد مسئولیت پرداخت یک دین) (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹) ص ۱۵.

۳. همان.

۴. یوسف درویشی هویدا، «مسئولیت تضامنی و امکان طرح دعوا علیه کلیه مسئولین بدون رعایت ترتیب خاص»، فصلنامه رای: مطالعات آرای قضایی، شماره ۱۰، (بهار ۱۳۹۴)، ص ۵۴.

انتخاب مدیون مسئول پرداخت است.^۱ در صورت مراجعه طلبکار، بدهکاران نمی‌توانند به امکان تقسیم دین میان خودشان استناد کنند و از پرداخت کل دین خودداری نمایند.^۲ پرداخت دین از سوی هر بدهکار دیگران را نیز بری می‌کند و طلبکار حق ندارد از مجموع بدهکاران بیش از طلب خود بگیرد. در نتیجه باید گفت مسئولیت تضامنی وسیله تأمین وصول طلب و وثیقه شخصی به سود طلبکار است و نباید آن را وسیله‌ای ناروا برای وصول مکرر طلب شمارد.^۳

ب- از سوی دیگر هر یک از بدهکاران در صورت پرداخت دین می‌تواند به سایر بدهکاران به نسبت سهم آنان از دین، مالی رجوع نماید. عبارت دیگر معمولاً طبق قانون مقرر شده است شخص مسئولی که جبران کامل را به درخواست طرف طلبکار انجام داده است حق رجوع به دیگر اشخاص مسئول را بابت مشارکت‌شان در دین مالی دارد. حق رجوع می‌تواند به آسانی با مراجعه به دادگاه‌ها و محاکم داخلی صورت گیرد.^۴

جایگاه مسئولیت تضامنی در نظام‌های حقوق داخلی متفاوت است. در حقوق ایران گفته شده است مسئولیت تضامنی حکم استثنایی و خلاف اصل است و قاعده کلی بر مسئولیت بر مبنای تقسیم و تسهیم است.^۵ از نظر منطقی نیز هر کس باید مسئول عمل خود باشد نه عمل دیگران مگر در مواردی که قانون به دلیل خاصی شخصی را مسئول فعل دیگران قرار داده باشد. لذا تضامن، دلیل خاص می‌خواهد و در تعهدات مشترکی که بر عهده چند شخص قرار می‌گیرد و تجزیه‌پذیر است باید به تسهیم میان آنان حکم کرد. از جمله مصادیق مهم مسئولیت تضامنی در حقوق ایران می‌توان به مسئولیت تضامنی غاصبان (ماده ۳۱۷ قانون مدنی)، مسئولیت مدنی مربوط به تصادم کشتی (ماده ۱۶۵ قانون دریایی)، مسئولیت مدیون و ضامن در ضمانت تضامنی (ماده ۴۰۳ قانون تجارت)،

۱. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۲۲۶.

۲. سید مصطفی مصطفوی، همان، ص ۱۶.

۳. یوسف درویشی هویدا، همان، ص ۵۶.

4. Pierre D'argent, "Reparation, Cessation, Assurances and Guarantees of Non-Repetition", in A. Nollkaemper and Plakokefalos (eds.), Principle of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art (Cambridge University Press, 2014) p. 244.

۵. سید حسین صفایی و حبیب‌الله رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳) ص ۲۱۴.

مسئولیت مسئولان انجام تعهد با شرط تضامن (ماده ۴۰۴ قانون تجارت) اشاره کرد. در کنار این موارد یکی از مهمترین مصادیق مسئولیت تضامنی در حقوق ایران مسئولیت تضامنی امضاکنندگان اسناد تجاری است که در مواد ۲۴۹، ۳۰۹ و ۳۱۴ قانون تجارت مقرر شده است. اهمیت مسئولیت تضامنی امضاکنندگان اسناد تجاری بویژه از آن جهت است که از لحاظ عملی بیشتر از مصادیق دیگر مسئولیت تضامنی در مراجع قضایی مطرح می‌شود و حجم قابل توجهی از دعاوی و پرونده‌های ورودی به دادگستری را به خود اختصاص می‌دهد.^۱

۲. وضعیت‌های مسئولیت بین‌المللی مشترک

از آنجا که موضوع این نوشتار بررسی اعمال مسئولیت تضامنی در خصوص نتایج مسئولیت بین‌المللی مشترک می‌باشد، لازم است ابتدا وضعیت‌هایی که بر طبق قواعد مسئولیت بین‌المللی منجر به مسئولیت مشترک می‌شود را به اختصار معرفی نمایم. در نهایت باید مشخص گردد در کدام از موارد مسئولیت مشترک امکان اعمال مسئولیت تضامنی وجود دارد.

بر اساس قواعد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ۲۰۰۱ و طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی ۲۰۱۱، مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل از نقض تعهد بین‌المللی منتسب به دولت یا سازمان بین‌المللی ایجاد می‌شود. از دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل، اینکه عنصر ورود خسارت نیز برای تحقق مسئولیت بین‌المللی ضرورت دارد یا خیر؟ به محتوای تعهد اولیه بستگی دارد.^۲ این دسته که با انتساب رفتار متخلفانه بین‌المللی به دولت یا سازمان‌های بین‌المللی سرو کار دارد تابع اصل اساسی مسئولیت مستقل و قواعد عادی انتساب است.

علاوه بر اصل مسئولیت مستقل، مسئولیت بین‌المللی در رابطه با رفتار متخلفانه دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر نیز توانسته جایگاه قابل توجهی در قواعد مسئولیت بین‌المللی بدست آورد. این ارتباط ممکن است ناشی از وضعیت کمک و مساعدت، هدایت و کنترل، اجبار یا در مورد سازمان بین‌المللی دور زدن تعهدات بین‌المللی باشد. جدا از

۱. یوسف درویشی هویدا، همان، ص ۵۵.

2. Commentary to Art. 2 ARSIWA, para. 9.

قواعد استاندارد انتساب، قواعدی خاص برای پرداختن به مسئولیت در قضایای دسته دوم ایجاد شده‌اند. اینها بعنوان استثنای اصل مسئولیت مستقل و تحت عنوان مسئولیت اشتقاقی مورد بحث قرار گرفته‌اند.^۱

مسئولیت بین‌المللی مشترک به وضعیت‌هایی اشاره دارد که چند شخص بین‌المللی (دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی) با ارتکاب یک یا چند فعل متخلفانه بین‌المللی در زیان غیر قابل تقسیم مشارکت می‌نمایند. مسئولیت مشترک ممکن است از رفتار جمعی ناشی شود، همچون وضعیت‌هایی که در آن اشخاص بین‌المللی وارد همکاری با یکدیگر می‌شوند مانند عملیات نظامی چندملیتی یا از رفتار مستقل فردی همچون وضعیتی که چند دولت به طور مستقل در زیان به محیط زیست مشارکت دارند.^۲ بر این اساس تمام وضعیت‌های مسئولیت مشترک مستلزم ارتکاب یک یا چند فعل متخلفانه بین‌المللی است. مشارکت در یک زیان غیر قابل تقسیم که مستلزم نقض یک تعهد بین‌المللی قابل اعمال نباشد به مسئولیت مشترک منجر نمی‌شود. همچنین اشخاص بین‌المللی در صورتی مسئولیت مشترک دارند که در زیان غیر قابل تقسیم شخص دیگر مشارکت داشته باشند. یک یا چند عمل متخلفانه بین‌المللی که در زیان غیر قابل تقسیم مشارکت نداشته باشد در چارچوب مسئولیت مشترک قرار نمی‌گیرند.

چنانچه زیان قابل تقسیم باشد، مشارکت اشخاص بین‌المللی در این زیان به مسئولیت مشترک منجر نمی‌شود. زیان در صورتی تقسیم‌پذیر است که مشارکت‌ها در آن زیان را بتوان بر اساس معیار واقعی سببیت از یکدیگر متمایز نمود. این امر زمانی مصداق خواهد داشت که فعل متخلفانه بین‌المللی بعنوان تنها سبب ضروری و کافی یک زیان مشخص توصیف شود: زیان بدون آن فعل متخلفانه رخ نداده باشد (از این رو ضروری بوده است) و فعل متخلفانه به تنهایی برای وقوع زیان کافی بوده باشد. در چنین وضعیتی شخص بین‌المللی مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی مسئولیت مشترک نخواهد داشت بلکه

۱. جیمز کرافورد، همان، ص ۴۱۸.

2. Commentary to Art. 47 ARSIWA, para. 8.

مسئولیت بین‌المللی مستقل متوجه او خواهد بود. چنین مسئولیت مستقلی بر اساس قواعد عموماً پذیرفته شده مسئولیت بین‌المللی قابل اثبات است.^۱ مشارکت بازیگران متعدد در یک نتیجه زیان‌بار واحد می‌تواند ناشی از افعال متخلفانه متعدد یا از فعل متخلفانه واحد ناشی شود. لذا به منظور درک نمونه‌های مختلف از مسئولیت مشترک باید تمایز اساسی میان این دو وضعیت ایجاد شود.

۲-۱. اعمال متخلفانه متعدد

بر اساس وضعیت اول، عاملان متعددی برای افعال متخلفانه متعددی که به یک زیان منجر شده است مسئولیت خواهند داشت. این وضعیت احتمالاً نه تنها در حقوق داخلی بلکه در حقوق بین‌الملل شایع‌ترین است. هر کشوری بر اساس اصل مسئولیت مستقل، مسئولیت رفتار خود را بر عهده دارد. اگرچه کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۴۷ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت به وضعیتی می‌پردازد که در ارتباط با فعل متخلفانه بین‌المللی واحد است و در خصوص آن چند دولت مسئول وجود دارد، اما در تفسیر ماده ۴۷ به امکان وجود وضعیت‌هایی اشاره می‌کند که در آن چندین دولت با رفتار متخلفانه جداگانه خویش موجب ورود زیان واحدی شده‌اند و در این رابطه قضیه کانال کورفو را مثال می‌زند.^۲ در وضعیت نخست، اشخاص بین‌المللی در صورتی مسئولیت مشترک اعمال متخلفانه متعدد را عهده‌دار می‌شوند که هر یک از آنها جداگانه مرتکب عمل یا ترک فعلی می‌شوند که:

الف- به هر یک از آنها جداگانه منتسب است؛

ب- نقض تعهد بین‌المللی برای هر یک از آن اشخاص بین‌المللی است؛

پ- به زیان غیرقابل تقسیم شخص دیگر منجر می‌شود.

در این وضعیت، اعمال متخلفانه بین‌المللی متعدد می‌توانند به صورت همزمان و یا بصورت جمعی در زیان واحد مشارکت داشته باشند. مشارکت همزمان در زیان واحد مربوط به وضعیت‌هایی است که در آن هر یک از اعمال یا ترک فعل‌های مربوط به

1. A. Nollkaemper, et al., "Guiding Principles on Shared Responsibility in International Law", *The European Journal of International Law*, Vol. 31, No. 1, (2020), p. 24.

2. Commentary to Art. 47 ARSIWA, para. 8.

چندین شخص بین‌المللی برای ایجاد زیان کافی بوده است. معیار رابطه سببی کافی می‌تواند در تشخیص مشارکت همزمان مورد استفاده قرار گیرد. بعنوان مثال در سال ۲۰۱۱، قایقی با ۷۲ نفر در حال عزیمت به جزیره لامپدوسا در ایتالیا سوخت خود را تمام کرد و پس از ۱۶ روز تنها ۱۱ نفر زنده ماندند.^۱ از آنجا که در آن زمان چندین دولت از جمله ایتالیا و مالت قایق‌هایی در دریا داشتند و علائم کمک دریافت کرده بودند، می‌توان ادعا کرد که هر دو دولت در موقعیتی بودند که می‌توانستند اقدام کنند، لذا بابت قصور در عمل مسئول می‌باشند. کوتاهی هر یک از آنها در تلاش برای نجات برای ایجاد زیان غیرقابل تقسیم کافی است.

مشارکت جمعی در زیان، به مواردی اطلاق می‌شود که در آن از تجمیع چند عمل متخلفانه بین‌المللی و به طور مشترک، زیان ایجاد می‌شود. در پرونده کانال کورفو، از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری «مین‌گذاری ... بدون اطلاع دولت آلبانی نمی‌توانست انجام شود»^۲، بنابراین مین‌گذاری و قصور آلبانی در دادن هشدار به کشتی‌های نیروی دریایی سلطنتی انگلیس به وجود این مین‌ها با هم منجر به ورود زیان به کشتی‌های انگلیس گردید. مثال دیگر، عدم انجام اقدامات حفاظتی لازم از سوی برخی کشورها در رابطه با اتباع خود که مشغول ماهیگیری از ذخایر ماهی در دریاهاى آزاد هستند. این قصور جمعی منجر به از بین رفتن ذخایر آبزیان دریایی می‌شود.^۳

۲-۲. اعمال متخلفانه واحد

بر اساس وضعیت دوم، عاملان متعدد برای فعل متخلفانه واحدی که منجر به زیان واحد غیر قابل تقسیم شده است مسئولیت دارند. اشخاص بین‌المللی در صورتی مسئولیت یک عمل متخلفانه بین‌المللی واحد را عهده‌دار می‌شوند که رفتار متشکل از یک عمل یا ترک فعل:

الف- به چندین شخص بین‌المللی قابل انتساب است؛

ب- نقض یک تعهد بین‌المللی برای هر یک از آن اشخاص بین‌المللی است؛

1. Forensic Oceanography, Report on the 'Left-To-Die Boat', 11 April 2012.
2. Corfu Channel Case (United Kingdom v. Albania), Merits, ICJ Reports, 1949, p.22.
3. A. Nollkaemper, et al., op.cit., p.26.

پ- به زیان غیر قابل تقسیم شخص دیگر منجر می‌شود.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در بند ۱ ماده ۴۷ به این نوع وضعیت پرداخته است. در تفسیر ذیل این ماده کمیسیون بیان می‌کند ممکن است در برخی وضعیت‌ها رفتار واحد در عین حال به چندین دولت قابل انتساب باشد و برای هر یک از آنها فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب شود.^۱ بعنوان مثال می‌توان تصور کرد که دو کشور ساحلی مسئول آلوده شدن رودخانه باشند، زیرا نهاد مسئول اداره و نظارت بر رودخانه یک ارگان مشترک آنها تلقی می‌شود. هر یک از دولت‌ها برای فعل متخلفانه واحد مسئول هستند. رفتار ارگان مشترک به هر یک از دولت‌های اداره کننده قابل انتساب است، چراکه از طرف آنها عمل کرده و در مقام نماینده فعالیت می‌کند (ماده ۵). گرچه خود ارگان موجودیتی واحد است، مجموعه‌ای از دولت‌های مسئول وجود دارند، بنابراین اصل مسئولیت مستقل قابل اعمال است.^۲ کمیسیون این موضوع را بعنوان انتساب موازی رفتاری واحد به دول متعدد توصیف کرده است:

«به استناد اصولی که مواد فصل ۲ پیش‌نویس بر آنها مبتنی هستند، رفتار ارگان مشترک را نمی‌توان چیزی بجز فعل دولت‌هایی تلقی کرد که این ارگان میانشان مشترک است. اگر این رفتار مطابق تعهد بین‌المللی نباشد، در آن صورت دو یا چند دولت همزمان مرتکب افعال متخلفانه مجزا اما عیناً مشابهی شده‌اند».^۳

مسئله مسئولیت ارگان مشترک در قضیه برخی زمین‌های فسفات در نائورو مطرح شد. در سال ۱۹۴۷ سیستم قیمومت سازمان ملل متحد جانشین سرپرستی پیشین جامعه ملل در نائورو شد و استرالیا، زلاندنو و بریتانیا بصورت مشترک بعنوان مقام اداره کننده این قلمرو منصوب شدند. نائورو بخاطر نقض تعهدات مقام اداره کننده تنها علیه استرالیا طرح دعوا کرد. دیوان معتقد بود: «طبق واژگان خود موافقتنامه، سه دولتی که در موافقتنامه سرپرستی با آنها اشاره شده مقام اداره کننده نائورو بودند؛ بنابراین این مقام شخصیت حقوقی بین‌المللی مجزایی از دولت‌هایی که به این عنوان منصوب شده بود نداشت؛ و

1. Commentary to Art. 47 ARSIWA, para. 3.

۲. جیمز کرافورد، همان، ص ۴۲۶.

3. Draft Articles Commentary (1996), Art. 27, §2.

طبق موافقتنامه ۱۹۴۷ و موافقتنامه‌های ۱۹۱۹، ۱۹۲۳ و ۱۹۶۵ و طبق رویه، استرالیا در میان این دولت‌ها نقش بسیار ویژه‌ای داشته است.^۱

همچنین دیوان داوری در قضیه یوروتونل احراز کرد که کمیسیون بین‌الدولی، ارگانی مشترک میان بریتانیا و فرانسه بوده که «تصمیماتش نیازمند رضایت هر دو عضو بوده است. اگر نقض قرارداد امتیاز از اقدام کمیسیون بین‌الدولی ناشی شده باشد، هر دو دولت مسئول تلقی خواهند شد».^۲ همچنین ترک فعل ارگانی که از طرف آنها عمل کرده نیز موجب مسئولیت هر دو دولت خواهد بود: «آنچه را که کمیسیون بین‌الدولی بعنوان یک ارگان مشترک نتوانست انجام دهد، تاسیس کنندگانش که کمیسیون از طرفشان عمل می‌کرده نیز نمی‌توانسته‌اند انجام دهند».^۳

علاوه بر تشکیل ارگان مشترک، حالت دیگر رفتار متخلفانه بین‌المللی واحد؛ وضعیت‌هایی است که دولت‌های متعدد بعنوان مباشر فعل متخلفانه با یکدیگر همکاری می‌کنند و رفتاری هماهنگ از آنها بروز می‌یابد. برای مثال حمله نظامی مشترک توسط ائتلافی از دولت‌ها علیه دولت دیگر برخلاف قاعده ممنوعیت توسل به زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، چنانچه یوگسلاوی در قضایای قانونی بودن توسل به زور علیه ده دولت عضو ناتو این استدلال را مطرح کرد. یا یک فعالیت اقتصادی بین‌الدولی که به دلیل قصور در انجام مقتضی موجب خسارت به محیط زیست دولت ثالث شده است. این اصل که دولت‌ها باید تمام تلاش خود را برای جلوگیری از آلودگی فرامرزی انجام دهند در قضیه *تریل اسملتر*^۴ بیان شد و از آن زمان در اسناد متعددی تکرار شده است. آنچه برای مسئولیت هر دولت در مورد رفتار هماهنگ لازم است این است که سهم آن دولت در فعل مشترک به وی قابل انتساب بوده و یکی از ارکان فعل متخلفانه باشد.^۵

در هر دو وضعیت یعنی افعال متخلفانه متعدد و افعال متخلفانه واحد؛ نقطه شروع برای احراز مسئولیت، اصل مسئولیت مستقل است. بر اساس این اصل تمام دولت‌ها به صورت منفرد و مستقل مسئول رفتار خود هستند. این رفتار همان رفتاری است که مطابق قواعد

1. Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia), Preliminary Objections, Judgment, ICJ Reports, 1992, pp. 240, 258.

2. Eurotunnel Arbitration, (2007) 132 ILR 1, 61.

3. Eurotunnel Arbitration, (2007) 132 ILR 1, 104-105.

4. Trail Smelter Arbitration, (1941) 3 RIAA 1938.

۵. جیمز کرافورد، همان، ص ۴۲۱.

انتساب مندرج در هر دو طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به آنها قابل انتساب است. این مسئولیت خاص هر دولت یا سازمان بین‌المللی است. سوالات بعدی که در مورد جبران و تعیین میزان سهم هر نهاد مسئول برای جبران خسارت مطرح می‌شود بر اصل مسئولیت برای رفتار مورد بحث اثری نمی‌گذارد. در قسمت بعد در خصوص کاربرد مسئولیت تضامنی در خصوص تعیین میزان سهم نکاتی مطرح می‌شود.

۲-۳. مسئولیت اشتقاقی

رویکرد غالب حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی بر مفهوم مسئولیت مستقل استوار است. اصل مسئولیت مستقل به طور جدی در مواد مسئولیت بین‌المللی تثبیت شده است. حتی در مواردی که فعل متخلفانه با همکاری چند دولت ارتکاب می‌یابد، مسئولیت بین‌المللی بر اساس اصل مسئولیت مستقل تعیین می‌شود.^۱ بر این اساس در طرح ۲۰۰۱ و طرح ۲۰۱۱ اصل مسئولیت مستقل مبنای کار کمیسیون حقوق بین‌المللی قرار گرفته است.

این امکان وجود دارد که مسئولیت دولت یا سازمان بین‌المللی «در ارتباط با عمل» یک عامل دیگر برقرار شود. بدین ترتیب دسته دوم از موارد مسئولیت مشترک زمانی مطرح می‌شود که یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی در فعل متخلفانه دولت یا سازمان بین‌المللی مشارکت می‌کند. در چنین مواردی یک دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر وجود دارد که مرتکب فعل متخلفانه شده است و مسئولیت دولت یا سازمان بین‌المللی مشارکت‌کننده به دلیل سهمی که در ارتکاب فعل مباشر داشته ناشی از فعل دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر است، هرچند که ممکن است رفتار خودش بصورت مستقل نقض یک تعهد بین‌المللی نباشد.^۲

مطابق ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت (و مواد ۱۴ و ۵۸ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی)، دولت (یا سازمانی) که به دولت (یا سازمان) دیگری در انجام یک عمل متخلفانه کمک یا مساعدت کند، مسئول عمل متخلفانه مباشر نیست بلکه برای کمک یا

۱. مهدی حدادی، «معاونت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ۲۰۰۱»،

مطالعات حقوقی، دوره دهم، زمستان، شماره چهارم، (۱۳۹۷)، ص ۲.

۲. جیمز کرافورد، همان، ص ۴۲۲.

مساعادت مسئولیت خواهد داشت. بنابراین کمک یا مساعادت بعنوان یک عمل متخلفانه متمایز از کاری که به او کمک یا مساعادت شده است، در نظر گرفته می‌شود. در چنین شرایطی دو عمل متخلفانه متفاوت که دو نهاد مختلف مسئولیت آن را بر عهده دارند، در زیان واحد نقش دارند.

آگو گزارشگر ویژه طرح مسئولیت دولت، معاونت (کمک و مساعادت) را تنها شکل واقعی مشارکت در فعل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر می‌داند.^۱ با وجود این، فصل چهارم از طرح مسئولیت دولت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی دو وضعیت دیگر را ترسیم می‌کند که در آن ممکن است دولت در فعل متخلفانه دولت دیگر مشارکت کند و هر دو این وضعیت‌ها در بردارنده رابطه نزدیکی میان دولت مباشر و دولت مشارکت کننده هستند. به موجب ماده ۱۷، دولت کنترل کننده از آن جهت مسئول است که بر دولت مباشر برای ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی اعمال کنترل و هدایت کرده است. این شکل از مسئولیت ممکن است در اوضاع و احوالی ایجاد شود که دولت مباشر با دولت کنترل کننده رابطه وابستگی دارد.^۲ شرایط مندرج در ماده ۱۶ در ماده ۱۷ تکرار شده است.

ماده ۱۸، دولت اجبارکننده را به دلیل اجبار دولت به ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی مسئول تلقی می‌کند. در چنین مواردی دولت تحت اجبار ممکن است به فورس مازور بعنوان عامل رافع وصف متخلفانه استناد کند (ماده ۲۳) اما مسئولیت دولت اجبارکننده باقی خواهد بود.^۳

مواد ۱۷ و ۶۱ از طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی موارد دیگری از مسئولیت بین‌المللی در رابطه با رفتار عامل دیگر را مطرح می‌کنند. در هر یک از این موارد، سازمان بین‌المللی (ماده ۱۷) یا کشور عضو (ماده ۶۱)، صرف نظر از متخلفانه بودن رفتار اعضای سازمان (ماده ۱۷) یا سازمان (ماده ۶۱)، به دلیل عمل دور زدن (ماده ۱۷ (۳))، ماده ۶۱ (۲)) مسئولیت خواهد داشت. اگر دومی هیچ مسئولیتی در قبال رفتارهای خود

1. Yearbook of the International Law Commission, 1978, Vol. II (1), pp. 31 & 60.

2. Ago, Eighth Report, Yearbook of the International Law Commission, Vol. II (1), (1979), pp. 5-27; Commentary to Art. 17 ARSIWA, para 1.

۳. جیمز کرافورد، همان، ص ۴۲۵.

نداشته باشد، شرایط مندرج در مواد ۱۷ و ۶۱ هیچ "مسئولیت مشترکی" را بوجود نمی‌آورد زیرا دور زدن تنها رفتار موجب مسئولیت است.

۳. اعمال مسئولیت تضامنی در خصوص نتایج مسئولیت مشترک

همانگونه که در ابتدای این نوشتار بیان شد، در نظام‌های حقوقی داخلی ممکن است اصل مسئولیت تضامنی (مسئولیت مشترک و جداگانه) در خصوص وضعیت‌هایی که چند عامل در پدیداری زیان واحد نقش داشته‌اند بکار گرفته شود. اعمال مسئولیت تضامنی در نظام حقوق بین‌المللی در دکتترین حقوقی مورد بحث قرار گرفته است، برخی از نویسندگان به وضوح از آن طرفداری می‌کنند^۱ و برخی دیگر نسبت به وجود و یا انتقال آن به نظام حقوق بین‌المللی تردید دارند^۲ یا آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند.^۳ دلایل منتقدین، عدم رویه واقعی و وجود این اصل در معاهدات خاص مانند کنوانسیون مسئولیت برای خسارت ناشی از اشیای فضایی (ماده ۴ و ماده ۵) و کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ (ماده ۱۳۹) است که برای ایجاد قواعد عرفی کافی نیستند. علاوه بر این از نظر این عده اعمال این اصل بعنوان یک راه‌حل در خصوص وضعیت‌هایی که چند عامل در پدیداری زیان واحد مشارکت داشته‌اند با دو مشکل مواجه می‌شود.

نخست مفهوم مسئولیت تضامنی در ابتدای امر بر مدل حقوق خصوصی مبتنی است که ممکن است لازم باشد با مقتضیات حقوق عمومی منطبق گردد. در حالی که مسئولیت تضامنی ممکن است در برخی وضعیت‌هایی که شبیه حقوق شبه‌جرم است مانند موردی که دو کشور بالای رودخانه سبب خسارت به کشور پایین رودخانه می‌شوند قابل اجرا باشد اما در مواردی که به حقوق عمومی شبیه‌تر است کاربرد آن مشکل‌تر می‌شود. عبارت دیگر اگرچه مسئولیت تضامنی شیوه مناسبی برای جبران زیان‌های طرف‌های زیان

1. J. Noyes & Brian D. Smith, "State Responsibility and the Principle of Joint and Several Liability", Yale Journal of International Law, Vol. 13, (1988), p. 225.

2. I. Brownlie, Principles of Public International Law, 6th Edn (Oxford University Press, 2003) p. 440.

3. S. Wittich, "Joint Tortfeasors in Investment Law", in C. Binder, U. Kriebaum, A. Reinisch, and S. Wittich (eds.), International Investment Law for the 21st Century. Essays in Honour of Christoph Schreuer (Oxford University Press, 2009) pp. 712-22.

دیده می‌باشد اما وقتی هدف از مسئولیت نه جبران بلکه بازگشت به مشروعیت^۱ عوامل مسئول است اهمیت کمتری پیدا می‌کند. از این جهت مسئولیت تضامنی در پارادایم حقوق خصوصی بهتر از پارادایم حقوق عمومی عمل می‌کند، زیرا در پارادایم حقوق عمومی بازگشت به مشروعیت بوسیله تمام عوامل مسئول ضروری است. از طرف دیگر تایید نمادین مسئولیت برای تامین شرایط احترام به نظم حقوق بین‌المللی می‌تواند کافی باشد.^۲

مشکل دوم به حوزه نظام دادرسی بین‌المللی مربوط می‌شود. به نظر منتقدین، ماهیت غیرمتمرکز نظم حقوقی بین‌المللی به همراه فقدان دادگاه‌های با صلاحیت اجباری موجب می‌شود که شرایط اعمال مسئولیت تضامنی کمتر فراهم باشد. در نظام‌های حقوقی داخلی فرض بر این است که شخص مسئولی که غرامت را پرداخت کرده است بعداً می‌تواند علیه دیگر طرف‌های مسئول اقامه دعوی کند. اما وقتی هیچ دادگاهی برای طرح چنین دعوی در نظام حقوق بین‌المللی در دسترس نیست، امکان اجرای اصل مسئولیت تضامنی صرفاً در حد تئوری باقی می‌ماند و جایگاه اصل در حقوق بین‌المللی مورد تردید قرار می‌گیرد.

با توجه به دیدگاه منتقدین، لازم است امکان اعمال مسئولیت تضامنی در زمینه وضعیت‌های مسئولیت مشترک بررسی شود. از آنجا که مسئولیت تضامنی (مسئولیت مشترک و جداگانه) متضمن دو نوع اقدام است؛ مراجعه زیان دیده به هریک از عوامل مسئول و دریافت جبران خسارت کامل و دوم مراجعه عامل مسئول پرداخت کننده به سایر عوامل مسئول. در ادامه بر همین اساس مساله امکان مسئولیت تضامنی در حوزه مسئولیت بین‌المللی بررسی می‌شود.

۱-۳. مطالبه جبران خسارت کامل از هر یک عوامل مسئول

در قسمت قبل موارد وضعیت‌های مسئولیت مشترک بررسی شد. در اینجا با توجه به مقررات مندرج در طرح‌های مسئولیت و رویه امکان پذیرش گام نخست از مسئولیت تضامنی در حوزه مسئولیت بین‌المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1. Legality.

2. A. Nollkaemper & Dov Jacobs, "Shared Responsibility in International Law: A Conceptual Framework", Michigan Journal of International Law, Vol. 34, (2013), pp. 423- 428.

الف- وضعیت‌های ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی متعدد و واحد

در قسمت قبل مشخص شد که در وضعیت‌هایی که چند دولت یا سازمان بین‌المللی اعمال متخلفانه بین‌المللی متعدد و یا واحد را مرتکب شوند مشترکاً مسئول خواهند بود. لذا در اصل مسئولیت هر یک از این عوامل تردید نیست و موضوع ما در این قسمت، تسهیم آثار مسئولیت میان آنان است. اصل دیگری که در قواعد مسئولیت بین‌المللی شناخته شده می‌باشد آن است که نقض هر تعهد بین‌المللی تعهد به جبران خسارت را در پی دارد.^۱ از اصل اساسی مسئولیت مستقل بر می‌آید که این تعهد به هنگامی که دولت یا موجودیت‌های متعدد ناقض تعهد باشند نیز به همان میزان قابل اعمال است.^۲ البته این به این معنا نیست که طرف زیان دیده می‌تواند جداگانه و همزمان از هر یک از دولت‌های مسئول خسارت کامل بگیرد اما همزمان می‌تواند به مسئولیت مستقل هر دولت استناد کند. اما پرسش این است که آیا طرف زیان دیده در استناد به مسئولیت می‌تواند جبران خسارت کامل را مطالبه کند، چنانچه در مسئولیت تضامنی این امکان وجود دارد؟

ممکن است برخی در خصوص تسهیم آثار مسئولیت شیوه جایگزین مسئولیت تضامنی یعنی مسئولیت نسبی^۳ را مطرح کنند. در شیوه مسئولیت نسبی استناد به مسئولیت فقط در خصوص زیان منتسب به عامل مربوطه می‌تواند مطرح شود.^۴ در این شیوه مساله انتساب و رابطه سببیت نقش مهمی ایفا می‌کند. مشکل اساسی این شیوه آن است که در وضعیت‌های مربوط به عمل هماهنگ اغلب تعیین سببی عوامل مختلف در زیان وارده سخت و حتی غیرممکن است. در واقع اگر چنین مشارکت سببی قابل تشخیص باشد به هیچ وجه نیازی به توسل به مسئولیت تضامنی نیست؛ در این حالت مسئولیت نسبی و فردی عوامل مسئول به نحو موازی مطرح می‌شود. لذا در اینجا برای تسهیم به مبنای

1. Factory at Chorzów, PCIJ, 1928, Ser. A, No. 17, p. 29; Commentary to Art. 31 ARSIWA; LaGrand (Germany v. US), Judgment, ICJ Reports, 2001, pp. 466, 485; Gabčíkovo - Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, ICJ Reports, (1997), pp. 7, 81.

۲. جیمز کرافورد، همان، ص ۴۴۴.

3. Proportionate.

4. Maarten den Heijer, "Procedural Aspects of Shared Responsibility in the European Court of Human Rights", SHARES Research Paper 17, (2012), ACIL 2012-16, available at www.sharesproject.nl and SSRN, p. 23.

دیگری نیاز است، همچون تقصیر یا سهم از پیش تعیین شده از سوی حقوق قابل اعمال و ماهیت تلاش جمعی.^۱

کمیسیون حقوق بین‌المللی به طور واضح امکان ادعای جبران خسارت کامل از هر شخص مسئول بین‌المللی در وضعیت‌های مسئولیت مشترک را شناسایی نکرده است. کمیسیون حقوق بین‌المللی در تفسیر خود ذیل ماده ۴۷ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی ۲۰۰۱ تأکید می‌کند که اصطلاحاتی مانند «مشترک»، «مشترک و جداگانه (تضامنی)» ناشی از سیستم‌های مختلف حقوقی است و قیاس‌ها باید با دقت اعمال شوند.^۲ امکان ادعای جبران خسارت کامل از هر شخص بین‌المللی مسئول در وضعیت‌های مسئولیت مشترک ناشی از افعال متخلفانه متعدد و یا واحد، با این اصل که اشخاص بین‌المللی باید جبران کامل زیان ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی خود را تأمین نمایند، منافاتی ندارد. علاوه بر این، کمیسیون حقوق بین‌المللی در تفسیر خود ذیل ماده ۳۱ بیان می‌کند که «رویه بین‌المللی و تصمیمات دادگاه‌های بین‌المللی از کاهش یا تخفیف جبران خسارت به دلیل وجود اسباب همزمان پشتیبانی نمی‌کند، مگر در موارد تقصیر تسهیل‌کننده خسارت».^۳ همچنین کمیسیون بیان می‌کند در موارد اسباب همزمانی زیان، «جز در حالتی که بتوان بخشی از زیان را از نظر رابطه سببی قابل تفکیک دانست»، دولت مسئول عهده‌دار جبران خسارت تمام نتایج نه چندان دور رفتار متخلفانه خویش است.^۴ در بند اول ماده ۴۷ نیز امکان استناد به مسئولیت بین‌المللی هریک از دولت‌های مسئول متعدد مقرر شده است.

در حالی که از نظر کمیسیون حقوق بین‌المللی و گزارشگر آن، کرافورد، استنباط می‌شود اصول حقوق داخلی راجع به مسئولیت تضامنی در قبال زیان غیرقابل تقسیم به حقوق بین‌المللی قابل انتقال نیست اما منطق چنین اصلی در سیستم‌های حقوقی داخلی یعنی ارائه حداکثر احتمال ممکن به زیان‌دیده برای داشتن جبران خسارت کامل در نظام

1. A. Nollkaemper and Dov Jacobs, op.cit. p 428.

2. Commentary to Art. 47 ARSIWA, para. 3.

3. Ibid. para. 12.

4. Ibid. para. 13.

حقوق بین‌المللی هم وجود دارد.^۱ توجیه اصلی تعهد پرداخت غرامت کامل برای همه افراد بین‌المللی مسئول در وضعیت‌های مسئولیت مشترک، حمایت از افراد زیان دیده‌ای است که با توجه به دسترسی محدود به دادگاه‌های بین‌المللی، در غیر این صورت هیچ جبرانی در اختیار نخواهند داشت. در وضعیت‌های مسئولیت مشترک نباید شخص زیان دیده ثابت کند که هر کدام از افراد مسئول چه مقدار خسارت وارد کرده‌اند، زمانی که محرز است همه آنها در انجام آن نقش داشته‌اند. فرد زیان‌دیده همچنین نباید ملزم شود ثابت کند که کدام عناصر خاص زیان مربوط به کدام فرد مسئول است. تعهد هر فرد بین‌المللی مسئول دارای مسئولیت مشترک برای انجام غرامت کامل در تأمین کارکرد جبران‌کنندگی مسئولیت بین‌المللی نقش دارد. اگرچه حمایت از حقوق افراد زیان‌دیده تنها هدف حقوق مسئولیت بین‌المللی نیست اما این یکی از وظایف اصلی آن است. حفاظت از موقعیت افراد آسیب دیده بویژه با توجه به موانع عملی که معمولاً در وضعیت‌های مسئولیت مشترک وجود دارد از جمله احتمال عدم طرح دعوی علیه کلیه افراد بین‌المللی مسئول، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، تعهد به جبران کامل خسارت برای همه افراد بین‌المللی که مسئولیت مشترک دارند موجب می‌شود افراد بین‌المللی از قبل در خصوص تسهیم مسئولیت توافق نمایند و این به محافظت از منافع طرف‌های آسیب دیده کمک می‌کند.^۲

بدین ترتیب در وضعیت‌های مسئولیت مشترک ناشی از یک عمل متخلفانه بین‌المللی واحد، از مجموع تفاسیر کمیسیون در مواد ۳۱ و ۴۷ امکان تحقق شق اول مسئولیت تضامنی وجود دارد. بر اساس تعهد جبران خسارت مندرج در مواد ۳۱ هر دو پیش‌نویس مسئولیت دولت و سازمان‌های بین‌المللی، یک فرد بین‌المللی مسئول ملزم است جبران کامل زیان ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی خود را انجام دهد. وقتی یک عمل متخلفانه واحد که مسئولیت آن بر عهده چندین بازیگر است، باعث زیان غیر قابل تقسیم شود، همه بازیگران مسئول موظف به جبران کامل کل زیان هستند.^۳

1. Alexander Orakhelashvili, "Division of Reparation between Responsible Entities", in J. Crawford, A. Pellet, S. Olleson, *The Law of International Responsibility* (Oxford University Press, 2010) p. 647.

2. A. Nollkaemper et al., *op.cit.* p. 55.

3. Pierre D'argent, *op.cit.* p. 238.

طرح مسئولیت دولت (ماده ۴۷) و طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (ماده ۴۸) فقط به وضعیت‌هایی که چندین دولت مسئول یا سازمان‌های بین‌المللی برای یک عمل متخلفانه واحد مسئولیت دارند می‌پردازد. در نگاه اول قاعده مندرج در این دو ماده شامل وضعیت مسئولیت مشترک ناشی از اعمال متخلفانه متعدد نمی‌شود. اما با توجه به تفسیر ذیل ماده ۴۷ به نظر می‌رسد کمیسیون نیم‌نگاهی به این نوع وضعیت‌ها داشته است. در تفسیر ماده ۴۷، کمیسیون بیان می‌دارد البته وضعیت‌هایی نیز می‌تواند ایجاد شود که در آن چندین دولت با اعمال متخلفانه بین‌المللی جداگانه خویش موجب ورود زیان و صدمه‌ای واحد شده باشند. قضیه کانال کورفو هم بعنوان مثال این مورد در این بند تفسیر آورده شده است. در پایان این بند نیز گفته شده است دولت‌های مسئول متعدد با توجه به تعهدات بین‌المللی‌شان و رفتار منتسب به آنها به صورت فردی مسئولیت خواهند داشت.^۱ با توجه به این بند از تفسیر ذیل ماده ۴۷، در وضعیت‌های مسئولیت مشترک ناشی از اقدامات متخلفانه بین‌المللی متعدد، چنانچه چند دولت یا سازمان بین‌المللی برای افعال متخلفانه متعدد مسئولیت داشته باشند، باید رابطه سببیت بین هر عمل متخلفانه و زیان مورد ارزیابی قرار گیرد. اگر یکی از افعال متخلفانه رابطه سببیت با زیان نداشته باشد، نهاد مسئول فعل متخلفانه الزام به جبران خسارت برای آن زیان نخواهد داشت، علی‌رغم این که نقض واقع شده و مسئولیت برای آن نقض وجود دارد. در چنین حالتی تعهد به جبران فقط مربوط به دیگر عوامل متخلف خواهد بود. بعنوان مثال اگر یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی تعهد به پیشگیری از نسل‌کشی را نقض نموده باشد در حالی که احتمالاً کشور دیگری واقعاً نسل‌کشی را از طریق نیروهای مسلح خود مرتکب شده است، تعهد به جبران خسارت در شکل پرداخت غرامت برای زیان‌های مادی به کشور مباشر عمل نسل‌کشی تعلق خواهد گرفت، اگر ثابت شود نقض تعهد به پیشگیری رابطه سببیت کافی و مستقیم با زیان مربوطه نداشته است.^۲ هر چند به این معنا نیست که دولت برای نقض تعهد به پیشگیری هیچگونه مسئولیتی ندارد یا آن دولت نباید جبران خسارت در شکل

1. Commentary to Art. 47 ARSIWA, para. 8.

2. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, ICJ Reports, (2007), p. 234.

جلب رضایت را برای زیان غیر مادی ناشی از آن نقص انجام دهد. در نتیجه سببیت نقش مهمی در محدودیت و توزیع تعهد ثانویه ناشی از تکرر اعمال متخلفانه متعدد ایفا می‌کند. لذا در مشارکت‌های همزمان که هر یک از مشارکت‌ها به تنهایی برای زیان وارده کافی است و نیز در وضعیت‌های مشارکت‌های جمعی، تعهد به جبران کامل هر شخص مسئول را می‌توان از قواعد مقرر برای جبران خسارت استنباط نمود. زیرا در مشارکت همزمان، هر رفتاری می‌توانسته باعث کل زیان شود و در مشارکت جمعی نیز اعمال این اصل به دلیل نیاز به محافظت از افراد زیان دیده توجیه می‌شود و در رویه پشتیبانی می‌شود.

در پرونده کانال کورفو، دیوان بین‌المللی دادگستری تعهد به جبران خسارت آلبانی به انگلیس را کاهش نداد، اگرچه مشخص بود که رفتار آلبانی تنها یکی از عواملی است که منجر به انفجارها شده است (عامل دیگر مین‌گذاری توسط طرف ثالث بود).^۱ به همین ترتیب کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد معتقد بود که عراق باید زیانی که به طور همزمان ناشی از حمله عراق و اشغال کویت و تحریم تجاری و اقدامات مربوط بود را به طور کامل جبران کند.^۲ قاضی برونو سیمما در نظر مخالف خود در مورد پرونده سکوی‌های نفتی معتقد بود هیچ ایرادی ندارد که ایران برای کل خسارت مسئولیت داشته باشد، حتی اگر مستقیماً باعث ایجاد آن نشده باشد. علاوه بر این از نظر سیمما با یک مطالعه مختصر حقوق تطبیقی شبه‌جرم، می‌توان نتیجه گرفت که اصل مسئولیت تضامنی (که موجب می‌شود ایران مسئول خسارت کامل باشد) به درستی می‌تواند اصل کلی حقوق به معنای بند ۱ (ج) بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان باشد.^۳

در پرونده نائورو، نائورو علیه استرالیا به دلیل نحوه اداره نائورو که منجر به استخراج فسفات از اراضی نائورو شد، در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوی نمود. از آنجا که قلمرو نائورو از طریق ارگان مشترک استرالیا، نیوزیلند و انگلستان اداره شده بود، استرالیا این پرسش را مطرح کرد که آیا مسئولیت سه کشور «مشترک و جداگانه» (تضامنی) خواهد بود، به طوری که هر یک از این سه کشور مسئول جبران کامل

1. Corfu Channel (Assessment of the Amount of Compensation), Judgment, ICJ Reports, (1949), pp. 244, 250.

2. UN Doc. S/AC.26/1992/15_*/, 4 January 1993, at 4, para. 9.

3. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, ICJ Reports, (2003), p.161, paras 73- 74, Separate Opinion of Judge Simma.

خسارت ناشی از نقض تعهدات مقام اداره کننده باشند.^۱ قاضی محمد شهاب‌الدین در نظر جداگانه خود از ادعای نائورو مبنی بر اینکه سه کشور متعهد به تعهدات مشترک و جداگانه هستند و می‌توانند به طور مشترک و جداگانه مسئول نحوه اداره نائورو باشند، حمایت کرد.^۲

در برخی دیگر از پرونده‌ها در دادگاه‌های بین‌المللی، یکی از طرفین دعوی تلاش کرده است استدلال خود را بر اصل مسئولیت تضامنی بنا گذارد. در حادثه هوایی ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۵، ایالات متحده به ماده ۳۸ (۱) (ج) و (د) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره و در لوائح خود ادعا کرد: در همه کشورهای متمدن، قاعده به نحوه قابل ملاحظه‌ای یکسان است. یک شاکی متضرر می‌تواند از هر یک یا همه مقصران (مرتکبان شبه جرم) مشترک بطور مشترک یا جداگانه شکایت کند، اگرچه ممکن است فقط مقدار کامل خسارت خود را از آنها یا هر یک یا چند نفر از آنها دریافت کند.^۳ در قضیه رفتار با هواپیما و خدمه ایالات متحده در مجارستان، ایالات متحده آمریکا از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست تصمیم بگیرد که مجارستان و اتحاد جماهیر شوروی به طور مشترک و جداگانه مسئول خسارت وارده به ایالات متحده هستند.^۴ در قضایای قانونی بودن استفاده از زور مطرح شده توسط صربستان و مونته‌نگرو علیه ۱۰ کشور متخلف، صربستان و مونته‌نگرو استدلال کردند که کشورهای مسئول به طور مشترک و جداگانه مسئول اقدامات ساختار فرماندهی نظامی ناتو هستند.^۵

شعبه اختلافات بستر دیوان حقوق دریاها هم در رای مشورتی خود قابل اعمال بودن اصل مسئولیت تضامنی را بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها تایید نموده است. شعبه معتقد است جایی که موجودیت‌های مختلف در رابطه با خسارت واحدی مشارکت دارند،

1. *Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia)*, Preliminary Objections, ICJ Reports, (1992), p. 240, para 48.

2. *Ibid.*, paras. 283–286, Separate Opinion of Judge Shahabuddeen.

3. *Aerial Incident of 27 July 1955 (USA v. Bulgaria)*, Merits – Memorial submitted by the United States Government, 2 December 1958, Part I, 229.

4. *Treatment in Hungary of Aircraft and Crew of United States of America (United States of America v. Hungarian People's Republic; United States of America v. Union of Soviet Socialist Republic)*, Application Instituting Proceedings, ICJ Reports, (1954), p. 10.

5. *Legality of Use of Force (Serbia and Montenegro v. UK)* (Oral Proceedings) (Public Sitting 12 May 1999), Verbatim Record 1999/25, at 40.

مسئولیت تضامنی اعمال می‌شود به گونه‌ای که کل غرامت را می‌توان از تمام یا یکی از موجودیت‌ها مطالبه کرد.^۱ البته این نتیجه‌گیری دادگاه بر ماده ۱۳۹(۲) کنوانسیون حقوق دریاها مبتنی است که در خصوص اقدامات مشترک اشخاص بین‌المللی مسئولیت مشترک و جداگانه را مقرر می‌دارد.

ب- وضعیت‌های ناشی از مسئولیت اشتقاقی

در قسمت قبل بیان شد یکی دیگر از وضعیت‌هایی که مسئولیت مشترک را موجب می‌شود، مسئولیت اشتقاقی است که در هر دو طرح، مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در فصل جداگانه مورد توجه قرار گرفته است. موارد مسئولیت اشتقاقی علی‌رغم اینکه در دسته وضعیت‌های مسئولیت مشترک قرار دارند از جهت تسهیم جبران خسارت و بویژه امکان اعمال اصل مسئولیت تضامنی در شرایط یکسانی قرار ندارند.

این اصل در همه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است که هرچند معاونت، شیوه‌ای خاص از مشارکت در فعل متخلفانه مباشر است لیکن تخلف مباشر و عامل اصلی نباید به معاون منتسب گردد.^۲ کمیسیون حقوق بین‌المللی در طرح ۲۰۰۱ در تفسیر ماده ۱۶ بیان می‌دارد که وضعیت معاونت از وضعیت شرکا در ارتکاب فعل متخلفانه متمایز است. مطابق نظر کمیسیون، دولت کمک‌کننده در کمک‌عامدانه خود به دولت دیگر در نقض یک تعهد بین‌المللی که هر دو بدان التزام دارند، مسئول عمل خودش است، او مسئول عمل دولت کمک‌شونده نیست.^۳ تفسیر ماده ۱۶ تاکید می‌کند که دولت کمک‌کننده مسئول فعل خود است. در چنین حالتی دولت کمک‌کننده تنها تا حدی که رفتار او سبب فعل متخلفانه اصلی شده یا در وقوع آن سهم بوده، مسئول است. از این‌رو در مواردی که فعل متخلفانه بین‌المللی به هر حال رخ می‌داد، مسئولیت دولت کمک‌کننده شامل جبران خسارت خود فعل متخلفانه اصلی نمی‌شود. هرچند در ادامه بیان می‌دارد در مواردی که

1. Responsibilities and Obligations of States with Respect to Activities in the Area, Advisory Opinion, ITLOS Reports, (2011), para 201.

۲. مهدی حدادی، همان، ص ۲۰.

3. Commentary to Art. 16 ARSIWA, para. 10.

کمک، عنصر ضروری فعل متخلفانه دولت مباشر باشد و بدون آن فعل متخلفانه رخ نمی‌داده است، زیان می‌تواند همزمان به دولت کمک‌کننده و دولت مباشر منتسب شود.^۱ در حالت اخیر (که کمک عنصر ضروری است) بنظر می‌رسد کمیسیون حقوق بین‌المللی ماده ۴۷ طرح ۲۰۰۱ را قابل اعمال می‌داند. یعنی زیان‌دیده به هر کدام از دولت مباشر یا معاون جهت جبران خسارت می‌تواند مراجعه کرده و کل غرامت را طلب کند.

در دکترین نیز در خصوص معاونت این اتفاق نظر وجود دارد که معاون مسئول فعل متخلفانه خود است نه عمل خلاف مباشر. یعنی افتراق در انتساب مسئولیت مورد پذیرش است. افتراق در انتساب مسئولیت، افتراق در نتایج مسئولیت را هم به دنبال دارد. لذا تمایز میان مسئولیت اصیل و معاون برای حسابرسی درست فعل متخلفانه ضروری است.^۲ این رویکرد بعنوان یک اصل کلی، اعمال مسئولیت تضامنی را در خصوص معاونت رد می‌کند زیرا پذیرش مسئولیت تضامنی با افتراق در انتساب مسئولیت و نتایج مسئولیت قابل جمع نیست.^۳

بر خلاف وضعیت کمک و مساعدت، دولت یا سازمانی که بر ارتکاب یک فعل متخلفانه توسط دولت یا سازمانی دیگر هدایت و کنترل دارد، مسئول فعل متخلفانه مباشر خواهد بود، زیرا انجام کل آن فعل را هدایت و کنترل کرده است.^۴ همچنین بر اساس تفسیر ذیل ماده ۱۷ با توجه به عدم پذیرش دفاع اوامر مافوق بعنوان عامل رافع وصف متخلفانه در حقوق بین‌المللی، دولت و یا سازمان تحت هدایت و کنترل نیز در خصوص عمل انجام شده مسئولیت خواهد داشت.^۵ از تفسیر ذیل ماده ۴۷ طرح مسئولیت دولت استنباط می‌شود که وضعیت هدایت و کنترل در شمول مصادیق ماده ۴۷ قرار دارد.^۶ یعنی در حکم موردی است که دولت‌های مسئول متعدد یک فعل متخلفانه واحدی را مرتکب شده‌اند. لذا بر اساس توضیحات سابق در خصوص اعمال متخلفانه واحد، زیان دیده می‌تواند به هریک از دولت‌های مسئول برای دریافت جبران خسارت کامل مراجعه کند.^۷

1. Ibid.

2. Miles Jackson, *Complicity in International Law* (Oxford: Oxford University Press, 2015) p. 170.

۳. مهدی حدادی، همان، ص ۲۲.

4. Commentary to Art. 17 ARSIWA, para. 1.

5. Ibid. para. 9.

6. Ibid. para. 2.

7. Alexander Orakhelashvili, *op.cit.* p. 657.

در خصوص وضعیت اجبار با توجه به اینکه دولت یا سازمان مباشر تحت اجبار در شرایط فورس ماژور مرتکب عمل شده است در مقابل زیان دیده مسئولیتی ندارد. اما دولت یا سازمان اجبار کننده که با اجبار موجب نقض تعهدات یک دولت یا سازمان دیگر می‌گردد مسئول نتایج آن خواهد بود. لذا این مورد از مصادیق اصل مسئولیت تضامنی خارج می‌باشد.

کمیسیون حقوق بین‌المللی در تفسیر ذیل ماده ۴۸ طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، دور زدن تعهدات بین‌المللی را چه از سوی سازمان باشد چه دولت‌های عضو از مصادیق مسئولیت مشترک تلقی کرده است و مشمول ماده ۴۸ قرار داده است.^۱ ماده ۴۸ این طرح معادل ماده ۴۷ طرح مسئولیت دولت می‌باشد. لذا از تفسیر کمیسیون استنباط می‌شود که این وضعیت در حکم ارتکاب فعل متخلفانه واحد از سوی چند عامل می‌باشد و طبق توضیحات سابق، زیان دیده می‌تواند به هر کدام از نهادهای مسئول برای دریافت کل خسارت مراجعه کند. البته مشروط به اینکه عمل انجام شده توسط دولت یا سازمان برای دولت یا سازمان مباشر هم تخلف بین‌المللی محسوب شود، والا تنها دولت یا سازمان دور زنده به تنهایی مسئول خواهد بود.

صرفنظر از امکان اعمال اصل مسئولیت تضامنی در وضعیت‌های مسئولیت مشترک میان سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو به شرحی که در قسمت قبل بیان شد، در برخی آثار مربوط به حقوق سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با تعهدات اعضا نسبت به تخلفات سازمان و نقش آنها در جبران مسئولیت بین‌المللی سازمان، نظریه مسئولیت تضامنی مطرح شده است.^۲ بر اساس برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی مستقل، اعضای سازمان اصولاً در قبال اعمال سازمان مسئولیت نداشته و طرف دعوی زیان‌دیدگان و مسئول جبران خسارت خود سازمان ذی‌ربط می‌باشد. اما عده‌ای در جهت تعدیل این اصل گام برداشته‌اند و نظریه مسئولیت تضامنی را مطرح کرده‌اند.

1. Commentary to Art. 48 ARIO, para. 1.

۲. اندرو استومر، «مسئولیت دولت‌های عضو در قبال اعمال سازمان‌های بین‌المللی: بازنگری ایرادات مصلحت‌اندیشانه»، ترجمه علی اصغر امیر، زمستان، ویژه‌نامه مجله حقوقی بین‌المللی، (۱۳۸۹)، ص ۵۵.

هدف از طرح مسئولیت تضامنی سازمان و اعضا در چنین موردی لزوم جبران خسارت طرف‌های ثالث و اثربازدارندگی آن عنوان شده است.^۱

۲-۳. رجوع عامل مسئول پرداخت‌کننده جبران خسارت کامل به سایر عوامل مسئول

بعد دیگر مسئولیت تضامنی آن است که عامل پرداخت‌کننده می‌تواند از دیگر عوامل مسئول که در پدیداری خسارت مشارکت داشته‌اند خواستار غرامت شود. این بعد از مسئولیت تضامنی به رابطه میان اشخاص بین‌المللی مسئول مربوط می‌شود. بعد انفرادی مسئولیت تضامنی عموماً مستلزم آن است که یک موجودیت در نهایت در مقابل دیگر موجودیت‌های مسئول فقط برای آنچه به آن قابل انتساب است مسئول باشد. بر اساس این اصل، شخصی که مجبور به پرداخت کامل غرامت شده است می‌تواند ادعاهایی علیه دیگر اشخاص مسئول مطرح سازد. حال این پرسش مطرح می‌شود آیا به جز رژیم‌های خاص، حقوق بین‌المللی بعد انفرادی مسئولیت تضامنی را شناسایی می‌کند؟ همچنین مانند مسئولیت نسبی در این بعد از مسئولیت تضامنی پرسش‌هایی در خصوص رابطه سببیت و معیار قاطع برای تسهیم مطرح می‌شود.

در خصوص این بعد از مسئولیت تضامنی دو مساله باید مورد بررسی قرار گیرد: اول مبنای حقوقی حق رجوع مسئول پرداخت‌کننده به سایر عوامل مسئول و دوم موانع شکلی و آیین رسیدگی پیش روی این حق رجوع.

الف- مبنای حقوقی حق رجوع

ممکن است گفته شود بعد انفرادی مسئولیت تضامنی را در حقوق بین‌المللی کنار بگذاریم و در واقع هیچ تسهیمی میان طرف‌های مشارکت‌کننده وجود نداشته باشد. اما این رویکرد به سختی قابل دفاع است. به چه دلیل کشوری که به طور کامل در ایجاد زیان مشارکت نداشته است، اما با وجود این کل غرامت را پرداخت کرده است از مطالبه غرامت از دیگر دولت‌ها یا سازمان‌های مسئولی که در پدیداری زیان مشارکت داشته‌اند محروم گردد. بر اساس این تئوری نخستین کسی که در دادگاه بعنوان خواننده حاضر

۱. سید قاسم زمانی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۲) ص ۳۵۸.

می‌شود باید بار جبران خسارت را تحمل کند.^۱ لذا این تئوری منصفانه نیست. در حالی که تعهد به جبران کامل خسارت برای هر شخص بین‌المللی مسئول که دارای مسئولیت مشترک است از منافع افراد آسیب‌دیده حمایت می‌کند، حق رجوع یک شخص بین‌المللی مسئول به سایر اشخاص مسئول نیز از قرار دادن کل بار جبران خسارت در وضعیت‌های مسئولیت مشترک بر یک شخص مسئول جلوگیری می‌کند. به این ترتیب با امکان شکایت بعدی از سایر خاطیان به دلیل مشارکت‌های فردی‌شان، هزینه‌های مسئولیت مشترک برای بازیگران دارای مسئولیت مشترک کاهش می‌یابد.^۲ لذا از جمله شرایط اعمال اصل مسئولیت تضامنی اعمال بعد انفرادی آن است. چنانچه کرافورد در کتاب خود بیان می‌دارد: «به هر روی به نظر می‌رسد که وجود مشارکت در موارد مسئولیت مشترک دولت‌ها، برای پذیرش هر شکلی از مسئولیت تضامنی توسط دولت به موجب حقوق بین‌المللی ضروری است».^۳

بند ۲ (ب) ماده ۴۷ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مقرر می‌دارد: «به هرگونه حق رجوع به سایر دولت‌های مسئول لطمه وارد نمی‌کند». بر اساس تفسیر ذیل این ماده در صورتی که در خصوص زیان واحد بیش از یک دولت مسئول وجود داشته باشد، مساله میزان مشارکت میان آنها ممکن است مطرح شود. برای مثال در بند ۲ ماده ۴ و بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون مسئولیت برای خسارات ناشی از اشیای فضایی ۱۹۷۲ این حق رجوع پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر به گفته کمیسیون حقوق بین‌المللی ممکن است مواردی وجود داشته باشد که در آن حق رجوع اجازه داده نشده باشد. لذا طرح مسئولیت و ماده ۴۷ در مورد این نوع مسائل، بی‌طرف است و صرفاً مقرر می‌دارد که اصل کلی مندرج در بند ۱ به حق رجوع دولت مسئول به هر دولت مسئول دیگر لطمه‌ای وارد نمی‌کند.^۴ برخی این بی‌طرفی را نقد و آن را بعنوان خلأیی در حقوق مسئولیت دولت‌های متعدد تعبیر کرده‌اند.^۵ در نظام‌های حقوق داخلی نیز این پرسش مطرح می‌شود که مبنای

1. A. Nollkaemper & Dov Jacobs, op.cit. p. 429.

2. Christiane Ahlborn, "To Share or Not to Share? The Allocation of Responsibility between International Organizations and their Member States", Amsterdam Law School Research Paper, No. 73, (2013), p. 69.

۳. جیمز کرافورد، همان، ص ۴۴۵.

4. Commentary to Art. 47 ARSIWA, para. 10.

۵. نقل از جیمز کرافورد، ص ۴۴۵.

حق رجوع، مدیون ایفاکننده تعهد یا پرداخت کننده دین به سایر مدیون‌ها چیست؟ آیا تعهد مدیون‌های مزبور به پرداخت متقابل آنچه مدیون ایفاکننده تعهد، زائد بر سهم خود پرداخته است یک تعهد یا التزام قراردادی است یا یک التزام خارج از قرارداد؟ منشا دوگانه تضامن که گاه قراردادی است و گاه قانونی، محققان را بر آن داشته است برای حق رجوع مدیون پرداخت کننده به سایرین نیز گاه مبنای قراردادی و گاه مبنای قانونی قائل شوند. در تضامن بین مدیون‌ها در مورد مبنای حق رجوع بیشتر صحبت از نهاد حقوقی و کالت و یا قائم‌مقامی است. مبنای مراجعه مدیون پرداخت کننده دین به سایرین بویژه در مورد تضامن‌های ارادی، می‌تواند و کالت باشد یعنی فرض بر این است که آنان متقابلاً به یکدیگر در پرداخت دین مشترک، نمایندگی داده‌اند. در این صورت چون موکل باید مخارجی را که وکیل به منظور اجرای نیابت تقبل کرده است بپردازد، آنان نیز باید آنچه را مدیون پرداخت کننده، زائد بر سهم خود و در مقام نیابت پرداخته است به وی مسترد دارند. دعوای و کالت مانند دعوای اداره مال غیر، دعوایی است که مدیون تضامنی به نام خود اقامه می‌کند.^۱

نارسایی نظر و کالت در توجیه مبنای حق رجوع در تضامن‌های قانونی که هیچگونه توکیل ضمنی از آن مفروض نمی‌تواند باشد، موجب شده است که نویسندگان در تضامن‌های قانونی و بعبارت وسیعتر در تضامن‌های فراقراردادی، مبنای دیگری برای حق رجوع جستجو کنند. مبنای دیگر نظریه قائم‌مقامی است. در کشورهای حقوق نوشته (رومی - ژرمنی) قائم‌مقامی یا باید به موجب قرارداد مشخص شده باشد یا بوسیله قانون مقرر شده باشد. در صورت فقدان مقررات قانونی یا عدم وجود قرارداد در این نظام‌ها بعنوان آخرین چاره حق رجوع می‌تواند بر اساس اصل دارا شدن غیر عادلانه انجام شود. در نظام حقوق کامن‌لا، قائم‌مقامی بر اصل انصاف مبتنی است.^۲ بر اساس تئوری قائم‌مقامی، پرداخت کامل به طرف زیان‌دیده از سوی یک موجودیت مسئول همزمان به

S. Besson, "La pluralité d'états responsables: vers une solidarité internationale?", 17 RSDIE 13, (2007), pp. 34-5, 37-8.

۱. مسعود زمانیان، «مسئولیت تضامنی مقایسه با سایر قوانین کشورهای مختلف»، قابل دسترس در

<https://www.bonyadvokala.com>

2. Pierre D'argent, op.cit. p. 248.

ادعاهای طرف زیان دیده خاتمه داده و حقوق طرف زیان دیده را به موجودیت مسئولی که کل خسارت را پرداخت کرده است انتقال می‌دهد و به او اجازه می‌دهد علیه دیگر موجودیت‌های مسئول طرح ادعا نماید. در این فرایند جدید، خواننده (که در اقدام نخست از مسئولیت رهایی یافته است) به اقدام مشارکتی خواهان به منظور کاهش مقداری از خسارت‌ها استناد می‌کند.

نظر مخالف این تئوری آن است که صرفنظر از امکان انجام مطالعه حقوق تطبیقی، قیاس با حقوق داخلی یک مسیر دشواری است که نمی‌تواند همه انتظارات را فراهم کند. بنابراین اصل کلی حقوق در مفهوم ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در اینجا با درجه‌ای خاص از خلاقیت حقوقی و روحیه توسعه تدریجی می‌تواند کشف شود.^۱ از نظر این عده لازم است از قیاس‌های حقوق داخلی اجتناب شود، هرچند استناد به اصول زیربنایی آنها می‌تواند مفید باشد، اما باید تاکید کرد که نمی‌توان اقتباس کامل واژگان حقوق داخلی در حقوق بین‌المللی را توصیه کرد.^۲ بدین ترتیب حق رجوع در نظام حقوق بین‌المللی مستلزم قواعد کنوانسیون یا عرفی است. دولت‌ها می‌توانند در قالب یک معاهده، پیش از اینکه بحث مسئولیت مطرح شود آیینی را که قرار است در چنین اوضاع و احوالی اتخاذ شود مشخص کنند. در بند ۲ ماده ۴ و بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون مسئولیت برای خسارات ناشی از اشیای فضایی ۱۹۷۲ این حق رجوع پیش‌بینی شده است. البته این کنوانسیون در حوزه اعمال منع نشده قرار دارد و در حوزه مسئولیت بین‌المللی ناشی از تخلف قابل استناد نیست. در کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ نیز در عین حال که از اصطلاح «مسئولیت مشترک و جداگانه» در بند ۲ ماده ۱۳۹ صحبت می‌کند، به شق دوم مسئولیت تضامنی یعنی حق رجوع به طور صریح اشاره نکرده است. ممکن است به طور ضمنی بتوان حق رجوع را از این ماده استنباط کرد. لذا فقدان رویه در این زمینه کاملاً مشهود است.

مساله مهم دیگر در مورد حق رجوع این است که سهم مشارکت در زیان باید بعنوان یک امر موضوعی روشن گردد. این شخص بین‌المللی متقاضی رجوع است که بایستی توجیه کند مستحق جبران خسارت جزئی توسط یک یا چند نفر دیگر از افراد بین‌المللی

1. Ibid. p. 249.

۲. جیمز کرافورد، همان، ص ۴۱۸.

است که مسئولیت مشترک دارند و میزان آن را تعیین کند. میزان چنین غرامتی به شرایط پرونده از جمله ماهیت تعهد، رابطه سببیت و میزان مشارکت در زیان و سایر عوامل مرتبط در تعیین مسئولیت از جمله دور بودن خسارت، قابل پیش‌بینی بودن و تقصیر بستگی دارد.^۱ در مورد مشارکت‌های همزمان در مواردی که رفتار معادل هر فرد مسئول به تنهایی می‌توانسته باعث زیان شود، یک شخص بین‌المللی که جبران کامل آن را انجام داده است ممکن است نتواند ادعای مشارکت دیگران را توجیه کند، زیرا رفتار آن برای ایجاد کل زیان کافی بوده است. با این حال این واقعیت که خسارات غیرقابل تقسیم ناشی از مشارکت‌های همزمان بوده است نیز می‌تواند دلیل بر تخصیص متناسب بین افراد مسئول بین‌المللی باشد، با توجه به اینکه هر کدام در چنین شرایطی مقصر هستند.^۲

ب- موانع شکلی حق رجوع

در نظام‌های حقوقی داخلی با توجه به در دسترس بودن محاکم قضایی با صلاحیت اجباری، شخص مسئولی که خسارت را کامل پرداخت کرده است می‌تواند با توجه به مبانی قانونی مسئولیت تضامنی علیه دیگر طرف‌های مسئول اقامه دعوی نماید. با توجه به ویژگی‌های نظام حقوق بین‌المللی و عدم وجود چنین محاکمی، جایگاه اصل مسئولیت تضامنی بویژه شق دوم آن مورد تردید قرار گرفته است.

مکانیسم‌های قضایی بین‌المللی اصولاً با خصوصیات مسئولیت فردی هماهنگ است تا مسئولیت مشترک. اگرچه در روابط بین‌المللی، اختلافات حقوقی میان دولت‌ها ممکن است چندجانبه باشد^۳، نظام کنونی حل و فصل اختلاف برای حل و فصل اختلافات چندجانبه طراحی نشده است. از جمله مهمترین دلیل این مساله نقش رضایت دولت‌ها در امکان ورود نهادهای قضایی به پرونده‌های حقوقی است. با توجه به اینکه مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی بر رضایت دولت‌ها استوار است، عدم رضایت یک دولت در گیر به فرآیند قضایی مانع از این خواهد شد که دعوایی علیه این دولت در خصوص مسئولیت مشترک تحت بررسی قضایی قرار گیرد. دلیل دیگر، قابل استماع

1. Commentary to Art. 31 ARSIWA, para. 10.

2. A. Nollkaemper et al., op.cit., p. 64.

3. Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia.), Preliminary Objections, Judgment, ICJ Reports, 1992, 240, 298, (Separate opinion of Judge Shahabuddeen).

نبودن دعاوی علیه سازمان‌های بین‌المللی است. اگر یکی از عوامل مسئول، یک سازمان بین‌المللی باشد؛ اکثر نهادهای قضایی بین‌المللی قادر به استماع ادعاهای مسئولیت مشترک علیه سازمان‌ها نیستند، زیرا اعمال سازمان‌ها نوعاً قابل رسیدگی قضایی نیست. برای نمونه دعاوی جمهوری فدرال یوگسلاوی علیه اعضای ناتو بجای دعوا علیه ناتو.

وجود این موانع در فرایندهای حل و فصل اختلاف بویژه به دو دلیل رضایت‌بخش نیست. از یک طرف اگر یک اختلاف پیچیده به خاطر شرایط شکلی نهادهای قضایی بعنوان یک اختلاف دوجانبه توصیف شود، ممکن است به ناچار برای دولت‌های خارج از فرایند حل و فصل اختلاف نتایجی در پی داشته باشد. برای مثال تعیین مسئولیت دولت نخست ممکن است مستلزم تعیین قطعی مسئولیت دولت‌های دیگر باشد که در اختلاف درگیر هستند اما در فرایند دادرسی حضور ندارند.^۱ از طرف دیگر غیبت طرف‌های دارای مسئولیت مشترک در فرایند حل و فصل اختلاف به طور نامطلوبی ممکن است بر منافع دولت خواننده تاثیر بگذارد، هم به دلیل عدم توانایی‌اش در بدست آوردن دلایل مورد نیاز و هم در سطوح مختلفی از تعهدات که می‌تواند برای او ایجاد شود وقتی برخی و نه تمام دولت‌های درگیر به وسیله حکم دیوان ملزم گردند.^۲

بنابراین در شق اول مسئولیت تضامنی، یعنی مراجعه به یکی از عوامل مسئول و مطالبه جبران کامل خسارت از او، مهمترین مانع پیش‌روی خواننده مساله رضایت به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری و نیز عدم استماع دعوا علیه سازمان‌های بین‌المللی است. این مساله تا حدودی دست خواننده دعوی را در انتخاب عوامل مسئول می‌بندد. در همین شق از مسئولیت تضامنی دیوان ممکن است بر اساس اصل پرونده مسکوکات طلا که ریشه در حکم ۱۹۵۴ دیوان بین‌المللی دادگستری دارد، نتواند ابعاد مختلف مسئولیت مشترک را بررسی کند. این اصل به موضوع قابلیت استماع دعاوی در رسیدگی‌های قضایی مربوط است و بر اساس این اصل در مواردی که منافع حقوقی کشور ثالث که خود مشمول صلاحیت دیوان نیست موضوع اصلی اختلاف را تشکیل می‌دهد، پرونده قابل رسیدگی و

1. Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia), Preliminary Objections, Judgment, ICJ Reports, (1992), pp. 240, 329, (Dissenting Opinion of Judge Schwebel); Monetary Gold Removed from Rome in 1943 (It. v. Fr., U.K. & U.S.), Preliminary Question, Judgment, ICJ Reports, (1954), pp.19, 31-33.

2. A. Nollkaemper and Dov Jacobs, op. cit., p. 433.

تصمیم‌گیری نیست.^۱ در قضیه تیمور شرقی، استرالیا در تقویت استدلال خود به رای ۱۹۵۴ دیوان در قضیه انتقال مسکوکات طلا از رم در ۱۹۴۳ استناد نمود. دیوان نیز در پرونده از بررسی مسئولیت استرالیا امتناع کرد به دلیل این واقعیت که این رسیدگی مستلزم پرداختن به مشروعیت اشغال تیمور شرقی توسط اندونزی در غیاب این کشور بعنوان طرف دادرسی بود.^۲ البته کمیسیون حقوق بین‌المللی در تفسیر خود ذیل ماده ۱۶ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت اشاره می‌کند که این اصل جامع نیست و نمی‌تواند در تمام موارد مانعی برای رسیدگی‌های قضایی باشد.^۳ اگرچه کمیسیون در این خصوص توضیح بیشتری نمی‌دهد اما برخی معتقدند که با توجه به تاثیر این اصل در تضعیف نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در وضعیت‌های مسئولیت مشترک باید از تفسیر موسع اصل خودداری شود. در این راستا اصل با توجه به ریشه تاریخی‌اش در حکم ۱۹۵۴ فقط در مورد نهادهایی اعمال شود که در حقیقت می‌توانند به صلاحیت دیوان رضایت دهند. لذا در پرونده‌هایی که نهادهایی همچون سازمان‌های بین‌المللی و یا سازمان‌های غیردولتی درگیر هستند اصل قابل استناد نخواهد بود.^۴

در شق دوم مسئولیت تضامنی نیز همین موانع پیش‌روی دیوان خواهد بود. یعنی عدم پذیرش صلاحیت دیوان توسط دیگر عوامل مسئول و یا وجود سازمان بین‌المللی مسئول در مسئولیت مشترک، مانع طرح دعوی از سوی عامل مسئول پرداخت کننده علیه دیگر عوامل مسئول خواهد شد. همچنین بر اساس اصل پرونده مسکوکات طلا، دیوان ممکن است نتواند پرونده مسئولیت مشترک را بررسی کند.

نتیجه‌گیری

اصول کلی حقوق، مورد قبول ملل متمدن مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بعنوان یک منبع حقوق بین‌المللی این امکان را به دیوان می‌دهد که نسبت به انتقال اصول و قواعد مشترک نظام‌های حقوقی داخلی به نظام حقوق بین‌المللی اقدام کند. از جمله حوزه‌های نظام حقوق بین‌المللی که نیازمند بهره‌گیری از اصول و قواعد نظام‌های

1. Monetary Gold Removed from Rome in 1943 (It. v. Fr., U.K. & U.S.), Preliminary Question, Judgment, ICJ Reports, (1954), pp. 19- 32.

2. East Timor (Port. v. Australia.), Judgment, ICJ Reports, (1995), p. 90.

3. Commentary to Art. 16 ARSIWA, para. 11.

4. A. Nollkaemper and Dov Jacobs, op. cit. p. 436.

حقوقی داخلی است، مسئولیت بین‌المللی است که هنوز جامعه بین‌المللی موفق به تدوین یک کنوانسیون بین‌المللی در این خصوص نشده است و کارهای کمیسیون حقوق بین‌المللی در حد یک پیش‌نویس باقی مانده است، اگرچه بسیاری از مفاد این طرح‌ها انعکاس دهنده قواعد عرفی است.

در بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی در زمینه بدهکاران متعدد، اصل مسئولیت تضامنی اعمال می‌شود. فلسفه این نوع مسئولیت ارائه حداکثر احتمال ممکن به طلبکار برای دریافت طلب خود است. در حوزه مسئولیت بین‌المللی امکان وجود وضعیت‌های مسئولیت بین‌المللی مشترک وجود دارد. مسئولیت مشترک به وضعیت‌هایی اشاره دارد که چند شخص بین‌المللی با ارتکاب یک یا چند فعل متخلفانه بین‌المللی در زیان غیر قابل تقسیم مشارکت می‌نمایند. اما مساله مهم در خصوص این نوع مسئولیت توزیع نتایج مسئولیت بین‌المللی بین عوامل مختلف مسئول می‌باشد. علی‌رغم وجود برخی اصول و قواعد مهم در خصوص نتایج مسئولیت بین‌المللی در طرح‌های مسئولیت بین‌المللی ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱، نحوه توزیع این نتایج در وضعیت‌های مسئولیت مشترک چندان روشن نیست. بویژه این پرسش مطرح می‌شود آیا می‌توان در این خصوص از اصل مسئولیت تضامنی مطرح در حقوق داخلی بهره گرفت.

ماده ۴۷ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ۲۰۰۱ و ماده ۴۸ طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی ۲۰۱۱ تنها موادی هستند که در این خصوص به توزیع نتایج مسئولیت مشترک می‌پردازند. اما علی‌رغم متن مواد مذکور، کمیسیون حقوق بین‌المللی در تفسیر ذیل این مواد از پذیرش مسئولیت تضامنی مطرح در نظام‌های حقوق داخلی پرهیز نموده است.

این مقاله می‌کوشد با توجه به ویژگی‌های مسئولیت تضامنی در حقوق داخلی، امکان اعمال آن را در نظام مسئولیت بین‌المللی بررسی کند. در این بررسی مشخص شد که با توجه به مواد طرح‌های مسئولیت بین‌المللی و تفاسیر آنها و نیز رویه قضایی، امکان اعمال شق اول مسئولیت تضامنی یعنی مراجعه زیان دیده به یکی از عوامل مسئول دارای مسئولیت مشترک و مطالبه جبران خسارت کامل از وی در نظام مسئولیت بین‌المللی وجود دارد. شق دوم مسئولیت تضامنی یعنی رجوع عامل مسئول پرداخت کننده به سایر عوامل مسئول در نظام‌های حقوق داخلی پذیرفته شده و از طریق دادگاه‌های داخلی

تضمین می‌شود. در نظام حقوق بین‌المللی نیز پذیرش چنین حق رجوعی امکان‌پذیر است و بند ۲ ماده ۴۷ طرح مسئولیت دولت و ماده ۴۸ طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی و تفاسیر ذیل آن نیز این امر را رد نمی‌کند. البته کمیسیون حقوق بین‌المللی ترجیح داده است مساله حق رجوع در چارچوب قواعد خاص و کنوانسیون‌های بین‌المللی مشخص گردد.

در نهایت به نظر می‌رسد تنها مانع عمده در خصوص اعمال اصل مسئولیت تضامنی در نظام حقوق بین‌المللی مسائل شکلی و آیین دادرسی باشد. عدم صلاحیت اجباری محاکم بین‌المللی و نیاز به رضایت دولت‌ها و نیز عدم امکان حضور سازمان‌های بین‌المللی در دعاوی ترافعی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری در هر دو شق مسئولیت تضامنی می‌تواند مانع مهمی در اجرای آن در حوزه مسئولیت بین‌المللی محسوب شود.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mahdi Hadadi



<https://orcid.org/0000-0002-1618-5017>

منابع

کتاب‌ها

- زمانی، سید قاسم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی* (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۲).
- صفایی، سید حسین و حبیب‌الله رحیمی، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳).
- کاتوزیان، ناصر، *نظریه عمومی تعهدات* (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۹).
- کرافورد، جیمز، *حقوق مسئولیت بین‌المللی (قواعد عمومی)*، ترجمه علیرضا ابراهیم گل و دیگران (تهران: انتشارات سنگلج، ۱۳۹۵).
- مصطفوی، سید مصطفی و طیب افشارنیا، *مسئولیت تضامنی (تعدد مسئولیت پرداخت یک دین)* (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹).

مقاله‌ها

- استومر، اندرو، «مسئولیت دولت‌های عضو در قبال اعمال سازمان‌های بین‌المللی: بازنگری ایرادات مصلحت‌اندیشانه»، ترجمه علی اصغر امیر، زمستان، ویژه‌نامه مجله حقوقی بین‌المللی، (۱۳۸۹).
- حدادی، مهدی، «معاونت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ۲۰۰۱»، مطالعات حقوقی، زمستان دوره دهم، شماره چهارم، (۱۳۹۷).
- درویشی هویدا، یوسف، «مسئولیت تضامنی و امکان طرح دعوا علیه کلیه مسئولین بدون رعایت ترتیب خاص»، فصلنامه رای: مطالعات آرای قضایی، بهار، شماره ۱۰، (۱۳۹۴).
- زمانیان، مسعود، «مسئولیت تضامنی مقایسه با سایر قوانین کشورهای مختلف»، قابل دسترس در <https://www.bonyadvokala.com>.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا و نسرین ترازوی، «توزیع جبران خسارت در وضعیت‌های مسئولیت مشترک بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز و زمستان، شماره ۶۳، (۱۳۹۹).
- مبینی، احمدرضا، «مروری بر گزارش‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ کمیسیون حقوق بین‌المللی در خصوص اصول کلی حقوق»، قابل دسترس در <https://unstudies.ir>.

Reference

Books

- Brownlie, I, *Principles of Public International Law*, 6th Edn (Oxford University Press, 2003).
- Crawford, James, *State Responsibility, The General Part*, Translated by Alireza Ebrahimgol and Others (Tehran: Sanglaj Publication, 2017) [In Persian].
- D'argent Pierre, "Reparation, Cessation, Assurances and Guarantees of Non-Repetition", In A, Nollkaemper and Plakokefalos (eds.), *Principle of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art* (Cambridge University Press, 2014).
- Jackson, Miles, *Complicity in International Law* (Oxford: Oxford University Press, 2015).

- Mustafavi, Seyyed Mostafa and Tayyab Afsharnia, *Joint Liability (Multiple Responsibilities for Paying a Debt)* (Tehran: Imam Sadiq University Publications, 2009). [In Persian]
- Orakhelashvili, Alexander, “Division of Reparation between Responsible Entities”, In J. Crawford, A. Pellet, S. Olleson, *The Law of International Responsibility* (Oxford University Press, 2010).
- Safai, Sayyed Hossein, Habibollah Rahimi, *Civil Liability (Non-Contractual Obligations)* (Tehran: Samt, 2014). [In Persian]
- Wittich S, “Joint Tortfeasors in Investment Law”, in C. Binder, U. Kriebaum, A. Reinisch, and S. Wittich (eds.), *International Investment Law for the 21st Century. Essays in Honour of Christoph Schreuer* (Oxford University Press, 2009).
- Zamani, S. Ghasem, *Law of International Organizations* (Tehran: The SD Institute of Law Research & Study, 2013). [In Persian]

Articles

- Ahlborn, Christiane, “To Share or Not to Share? The Allocation of Responsibility between International Organizations and their Member States”, Amsterdam Law School Research Paper No. 2013-73, (2013).
- Haddadi, Mahdi, “Complicity in Committing Internationally Wrongful Acts in the Draft Articles on Responsibility of States 2001”, *Journal of Legal Studies*, Vol. 10, Issue .4 (30), (2019). [In Persian]
- Darvishi Hoveyda, Youssef, “Joint liability and the Possibility of Filing a Lawsuit Against All Officials Without Following a Specific Procedure”, *Ray (Judicial Case Review Quarterly)*, Vol. 4, No. 10, (2014) [In Persian].
- Den Heijer, Maarten, “Procedural Aspects of Shared Responsibility in the European Court of Human Rights”, *SHARES Research Paper 17*, (2012), ACIL 2012-16, available at www.sharesproject.nl and SSRN.

- Mobini, Ahmadreza, “A Review of the 2019 and 2020 Reports of the International Law Commission Regarding the General Principles of Law”, available at <https://unstudies.ir> [In Persian].
- Nollkaemper, A. & Dov Jacobs, “Shared Responsibility in International Law: A Conceptual Framework”, Michigan Journal of International Law, Vol. 34, (2013).
- Nollkaemper, et al., “Guiding Principles on Shared Responsibility in International Law”, The European Journal of International Law, Vol. 31, No. 1, (2020).
- Noyes J. & Brian D. Smith, “State Responsibility and the Principle of Joint and Several Liability”, Yale Journal of International Law, Vol. 13, (1988).
- Stumer, A, “Liability of Member States for Acts of International Organizations: Reconsidering the Policy Objections”, Translated by Ali Asghar Amir, Special Issue of the International Law Review, (Winter 2009) [In Persian].
- Zamaniyan, Massoud, “Joint liability Compared with Other Laws of Different Countries”, available at <https://www.bonyadvokala.com>. [In Persian]
- Ziaee Bigdeli, Mohamadreza & Nasrin Tarazi, “Distribution of Reparation in the Context of International Shared Responsibility”, International Law Review, Vol. 37, Issue. 63, (2021). [In Persian]

Cases

- Aerial Incident of 27 July 1955 (USA v. Bulgaria), Merits, 2 December 1958.
- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, ICJ Reports, 2007.
- Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), ICJ Reports, 1970, p 34, para.38.

- Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia), Preliminary Objections, Judgment, ICJ Reports, 1992.
- Corfu Channel Case (Australia), Judgment, ICJ Reports, 1995.
- Eurotunnel Arbitration, (2007) 132 ILR.
- Factory at Chorzów, PCIJ, 1928, Ser. A, No.17.
- Gabčíkovo - Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, ICJ Reports, 1997.
- LaGrand (Germany v. US), Judgment, ICJ Reports, 2001.
- Legality of Use of Force (Serbia and Montenegro v. UK) (Oral Proceedings) (Public Sitting 12 May 1999), Verbatim Record 1999/25.
- Monetary Gold Removed from Rome in 1943 (It. v. Fr., U.K. & U.S.), Preliminary Question, Judgment, ICJ Reports, 1954.
- Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, ICJ Reports, 2003.
- Trail Smelter Arbitration, (1941) 3 RIAA 1938.
- Treatment in Hungary of Aircraft and Crew of United States of America (United States of America v. Hungarian People's Republic; United States of America v. Union of Soviet Socialist Republic).

Instruments

- Draft Articles on State Responsibility Provisionally Adopted by the International Law Commission on First Reading (1996), reproduced in: Report of the International Law Commission on the Work of its Forty-Eighth Session, UN Doc. A/51/10.
- The International Law Commission's Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (Second Reading, 2001), reproduced in: Report of the International Law Commission on the Work of its Fifty-Third Session, UN Doc. A/56/10.

- The International Law Commission's Draft Articles on Responsibility of International Organizations (Second Reading, 2011), reproduced in: Report of the International Law Commission on the Work of its Sixty-Third Session, UN Doc. A/66/10.



استناد به این مقاله: حدادی، مهدی، «اعمال اصل مسئولیت تضامنی در نظام مسئولیت بین‌المللی»، پژوهش حقوق عمومی، ۲۴(۷۵)، (۱۴۰۱)، ۲۵۳-۲۹۲.

Doi: 10.22054/QJPL.2022.61666.2633